

جاویدان خرد مسکویه؛ اثری ساخته و پرداخته شده

AN APOCRYPHAL WORK: THE "JĀVIDĀN KHIRAD" OF MISKAWAYH

Author(s): M.S. KHAN

380-371 .pp, (1998 Autumn) 3 .No, 37 .Vol, 1998 Islamic Studies , Autumn

Islamic Research Institute, International Islamic University, Islamabad

ام. اس. خان

ترجمه پروین یاری

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه تهران

کتاب *جاویدان خرد مسکویه* (۴۲۲ ه.ق / ۱۰۳۰ م) در سال ۱۹۵۲ م. توسط عبدالرحمن بدوی تصحیح شده و همراه با یک مقدمه و حاشیه‌هایی بر آن با عنوان *الحکمه الخالده* به چاپ رسیده است. والتر برونو هنینگ معتقد است که این اثر را باید یکی از مهم‌ترین آثار در تاریخ ادبیات پهلوی دانست. وی نظر خود را در مقاله‌ای که به سال ۱۹۵۶ به چاپ رسید شرح داده است. در این مقاله هنینگ درصدد است تا اندیشه‌های موازی هم را نشان دهد که در مجموعه گردآوری شده توسط مسکویه و آثار به‌جامانده از زبان پهلوی یافت شده است.

تصحیح عبدالرحمن بدوی، تصحیحی خوب و معتبر است که بر پایه استفاده از تنها هفت نسخه خطی انجام شده است. با این حال این تصحیح می‌توانست بهتر هم باشد، چراکه بدوی از قدیم‌ترین نسخه موجود در کتابخانه بادلیان، آکسفورد و نسخه خطی شماره ۵۸۲ رامپور استفاده نکرده است. با این وجود، در پاورقی‌ها به‌طور مفصل در مورد اختلافات موجود در نسخ گفته شده است که همین اسباب نقد را برای خواننده فراهم می‌آورد. مقدمه طولانی بدوی از صفحات ۷ تا ۶۴ هم جنبه نقادانه دارد و هم حاوی اطلاعاتی بس مفید است.

عنوان اصلی کتاب *جاویدان خرد* است. خرد، از واژه اوستایی *Khratu* گرفته شده است که آن هم به واژه ودایی *kratu* به‌معنای «خرد و اراده» بازمی‌گردد (نک: مینوی خرد).

این نسخه ویرایش شده *جاویدان خرد* که صفحات ۲۶ الی ۸۸ کتاب را شامل می‌شود، دربردارنده ادبیات تعلیمی-اخلاقی هندی‌ها، عرب‌ها، یونانی‌ها و نیز مسلمانان صدر اسلام نیز هست. همانند پروفیسور هنینگ، من هم به بخش اول این کتاب علاقه بیشتری دارم گرچه سایر بخش‌ها نیز از اهمیت بسیاری برخوردارند. بخش اول کتاب اندرزهایی از آذرباد، اندرزهای بزرگمهر برای خسرو، خسرو قباد، خسرو انوشیروان و بهمن پادشاه را شامل می‌شود. علاوه بر اینها، اندرزهایی از سایر حکیمان ایرانی را نیز در بر می‌گیرد.

به‌تازگی، مقاله‌ای با عنوان «قدیم‌ترین متن اخلاقی *جاویدان خرد*» توسط رکسانا مارکوت به چاپ رسیده است. مارکوت با این فکر که می‌تواند اطلاعاتی جدید از متن استخراج کند، آن را مورد کنکاش قرار داده، اما تلاش وی بی‌فایده بوده است. وی در مقاله خود چنین می‌گوید که اخیراً یک نسخه خطی با عنوان *نکته‌های جاویدان خرد* از همین نویسنده در میان مجموعه نسخ خطی *ادبیات اخلاقی* یافت شده است. این نسخه را منصور طراوت تصحیح و با عنوان *خردنامه* چاپ کرده و ویرایش دومی از آن نیز در حال انجام است. نویسنده اطلاعات دیگری در مورد نسخه خطی یافت‌شده و یا نسخه تصحیح‌شده منصور طراوت، که بنده به آن دسترسی ندارم، ارائه نمی‌دهد. مارکوت حتی متن فارسی *جاویدان خرد* و یا ترجمه انگلیسی آن را منتشر نکرده است. حجم نسخه خطی را نمی‌توان دقیقاً تأیید کرد؛ چراکه ترجمه انگلیسی منتشرشده تنها دو صفحه چاپ‌شده را پوشش می‌دهد. در پاورقی شماره ۸ مقاله ذکر شده آمده است که متن فارسی صفحات ۹۵ تا ۹۹ را در بر می‌گیرد، یعنی یک متن کوتاه پنج صفحه‌ای؛ بنابراین می‌شد با تصحیح آن را در انتهای همین مقاله به خط فارسی تصحیح کرد و بدون تحمیل هزینه سنگینی به تجدید چاپ رساند.

اخیراً مقاله فوق‌الذکر مورد توجه محققان قرار گرفته است اما با توجه به اینکه من به متن فارسی ذکرشده با عنوان *خردنامه* دسترسی ندارم، نمی‌توانم اثر *جاویدان خرد* مسکویه را با کتاب تازه منتشرشده *خردنامه* مقایسه و به ایده‌های مشابه و عبارات یکسان موجود در دو متن اشاره کنم. نیاز بود این کار را خود مارکوت پیش از چاپ مقاله، هرچند خسته‌کننده و ملال‌آور، به انجام می‌رسانید.

نویسنده مقاله در مورد اصالت متن نامبرده‌شده نظری نداده است. سؤالات بسیاری در این زمینه می‌توان مطرح کرد: خواه این متن ترجمه و یا نسخه تجدید چاپ‌شده متن عربی مسکویه یا ترجمه‌ای به فارسی نو از همان متن پهلوی باشد، کدام یک منبع مورد استفاده مسکویه بوده است؟ سؤال دیگر اینکه چطور این نویسنده ناشناس از اطلاعاتی که در دسترس وی بوده استفاده کرده است؟ چنانچه نویسنده علاقه‌مند به پاسخگویی به این قبیل سوالات باشد می‌بایست به متن فارسی دسترسی داشته باشد.

گرچه مهم‌ترین سؤالی که در مورد *جاویدان خرد* مسکویه مطرح می‌شود مربوط به نویسنده اصلی آن است. با وجود اینکه این کتاب را به هوشنگ، پادشاه افسانه‌ای و نه تاریخی ایران، نسبت داده‌اند اما پر واضح است که این کتاب به وی تعلق ندارد.

هوشنگ به دودمان پیشدادیان تعلق دارد. طبق شاهنامه فردوسی، سیامک پسر کیومرث در زمان پدرش کشته شد و هوشنگ جانشین پدر بزرگ خود شد. زرتشتیان بر این باورند که او نخستین انسان، همچون آدم است اما هیچ انسان دیگری در زمان وی متولد نشد. یک پسر و یک دختر برای وی زاییده شدند و بدین ترتیب سلاله وی ادامه یافت. طبق داستان‌های شاهنامه و *تاریخ‌الرسول و الملوک* طبری، خط در زمان هوشنگ اختراع شد. هیچ کتابی در زمان هوشنگ نوشته نشده بود اما کتاب‌ها در اذهان ثبت می‌شدند. هنینگ چنین می‌گوید که در سنت ایرانی، از هوشنگ به‌عنوان نویسنده کتابی شامل گفته‌های خردمندانه یاد نشده است. در آن زمان‌ها مردم به اساطیر اعتقاد داشتند ولی امروزه چنین اعتقاداتی را رد می‌کنند. اکنون، اینکه شخصیتی اسطوره‌ای چون هوشنگ کتابی با نام *جاویدان خرد* نگاشته باشد، غیرقابل‌باور است.

به‌دلایلی منطقی می‌توان گفت که این کتاب بعدها توسط فردی نوشته شده و سپس آن را به هوشنگ نسبت داده است. این‌گونه نسبت دادن‌ها به اشخاص حقیقی، تخیلی یا افسانه‌ای یک کار مرسوم در فرهنگ‌های مختلف باستان در خاور نزدیک بوده است. اگر چنین چیزی را بپذیریم، آنگاه سؤال در مورد زمان نگارش این اثر مشکوک (نامعتبر) پیش می‌آید: آیا این اثر پیش از ورود اسلام ساخته و پرداخته شده است یا پس از آن؟ برای محقق روشن نیست که آیا کتابی به زبان پهلوی و با نامی دقیقاً مشابه *جاویدان خرد*، امروز موجود است یا نه. شکی نیست که اندرز یا حکمت یا ادبیات اخلاقی - تعلیمی بسیار کهن است، اما متون پهلوی موجود پس از سقوط ساسانیان نوشته شده‌اند. نظر نویسنده به این دیدگاه نزدیک است که این اثر در قرن ۸ یا ۹ میلادی ساخته و پرداخته شده است، چنان‌که جاحظ (۲۵۵ه.ق / ۸۶۹ م) توانسته است نام آن را در یکی از کتاب‌های خود بیاورد.

مسکویه اثر تاریخی خود به نام *تجارب‌الامم* را با ذکر نام هوشنگ به‌عنوان نخستین انسان و نخستین فرمانروای جهان آغاز می‌کند. در گذر زمان، شخصیت اسطوره‌ای هوشنگ برای سایر نویسندگان اهمیت پیدا کرد. یکی از نویسندگان قرن هفدهم به نام محسن فانی و اثر وی *دبستان مذاهب*، دینی جدید را به هوشنگ نسبت می‌دهد، به طوری که می‌گوید دین هوشنگ از دین زردشت بسیار قدیمی‌تر است. با این حال، همچنان *جاویدان خرد* را منسوب به هوشنگ می‌دانند. به‌طور مثال، محمد نجف علیخان در اثر خود *سفرنگ دستیر* چنین آورده است که هوشنگ را پیشدادی می‌گویند چراکه او نخستین حکمرانی بود که عدالت پیشه کرد. وی از *جاویدان خرد* به‌عنوان اثری از هوشنگ یاد می‌کند.

عرب‌شناس معروف سیدعبدالعزیز المیمنی در مقاله قابل توجه خود «اقدم کتاب فی العالم او جاویدان خرد» می‌گوید که جاویدان خرد نخستین کتاب جهان است که توسط هوشنگ نوشته شده است؛ این مقاله دو بخش دارد.

اوشنر

بحث مطرح‌شده توسط هنینگ که احتمال می‌دهد نویسنده کتاب جاویدان خرد اوشنر، حکیم دانای اوستا، باشد قانع‌کننده نیست. اوشنر، مشاور خردمند کیکاووس، پادشاه باستان دور، بوده است؛ اما او یک شخصیت اسطوره‌ای و نه تاریخی است.

عبدالرحمن بدوی می‌گوید اندرنامه‌ای، که پس از دوره ساسانیان به نگارش درآمده و به اوشنر نسبت داده شده، موجود است اما جزئیات دیگری به دست نمی‌دهد. شاید این متن با عنوان *اندرز/اوشنر دانا* منتشر شده و مسکویه بعضی از اندرزه‌ای اوشنر را به نام بزرگمهر ثبت کرده است. به هر حال، بحث هنینگ در راستای حمایت از این ادعا که نویسنده *جاویدان خرد* اوشنر است، اقناع‌کننده نیست. درواقع، به‌سختی می‌توان ارتباطی واضح و متقن میان اوشنر، مسکویه و *جاویدان خرد* یافت؛ اما مسکویه بعضی از اندرزه‌ای اوشنر همچون اندرزه‌ای بزرگمهر را می‌شناخت و بدین‌معناست که اصل اندرنامه در دسترس وی نبوده است.

هنینگ براساس یک مقایسه به نتیجه رسیده است که بخش جالب توجهی از متن پهلوی *یادگار بزرگمهر در جاویدان خرد* مسکویه موجود است و این خود دلیل محکمی است بر اینکه هوشنگ نویسنده *جاویدان خرد* نیست؛ چراکه بزرگمهر وزیر شاه ساسانی بوده و اندرزه‌ای وی نمی‌تواند در کتابی که متعلق به هوشنگ است، آمده باشد.

مرجع و ترجمه

مسکویه در ابتدای *جاویدان خرد* خود چنین می‌آورد که در جوانی از وجود این کتاب در *استطاله الفهم* جاحظ اطلاع یافته است. او به این کتاب علاقه‌مند شده و به‌دنبال یافتن آن، یک نسخه از آن را نزد موبد موبدان فارس پیدا کرده است. بعضی از کسانی که این گفته مسکویه را تکرار کرده‌اند، به‌غلط به‌جای جاحظ از حافظ نام برده‌اند. کتاب نامبرده‌شده در میان آثار جاحظ یافت نشده است. شاید بگویید که جاحظ نویسنده پرکاری بوده که همه آثار وی حفظ نشده و به جای نمانده است و یا همه آنها فهرست نشده‌اند. ممکن است که این کتاب در زمان مسکویه در دسترس بوده باشد. از این کتاب در فهرست کتاب‌های جاحظ که یاقوت حموی در *معجم‌الادبا* درج کرده نیز سخنی نرفته است. از نظر برخی صاحب‌نظران، جاحظ بزرگ‌ترین پیشرو آموزه‌های حکمت جاویدان بوده که چنین گفته است: «خرد همه ملت‌ها در فرآیند آهسته انتقال از ملتی به ملت دیگر و از نسلی به نسل دیگر راه خود را به ادبیات عرب باز کرده است».

عطف به ترجمه وی، در مقدمه *جاویدان* آورده شده که این متن در بردارنده نصایح بازمانده از هوشنگ شاه به‌عنوان وصیت‌نامه برای جانشینانش است که توسط گنجور بن اسفندیار، وزیر ایرانشهر، از زبان کهن به فارسی ترجمه شده و سپس توسط حسن بن سهل برادر فضل بن سهل، وزیر مأمون در سال ۱۹۶ ه.ق/ ۸۱۲ م، به عربی برگردانده و پس از آن توسط احمد بن محمد مسکویه تکمیل شده است. این توضیحات در ابتدای تمامی نسخ خطی *جاویدان* آمده است.

اطلاعات فوق‌الذکر، توسط نویسندگان متأخر نیز استفاده شده است؛ به‌عنوان مثال توسط فضل‌الله قزوینی در *المعجم فی آثار ملوک العجم* که آن را از همین مقدمه گرت‌برداری کرده است. وی می‌گوید که بخشی از این کتاب توسط

حسن بن سهل به عربی ترجمه شده و شیخ ابوعلی ابن مسکویه آن را در مقدمه کتاب *ادب العرب و الفرس* آورده است که درست است.

اگر بخواهیم قاطعانه اظهار نظر کنیم، حتی در صورت پذیرش *جاویدان* به عنوان یک اثر ترجمه‌ای عربی از یک متن پهلوی، باز هم باید گفت که متن ترجمه‌شده واقعی تنها چهارده صفحه چاپی از *جاویدان* خرد منتشرشده توسط بدوی را در بر می‌گیرد. مسکویه خود در مقام جاحظ تصریح می‌کند که ترجمه واقعی در اینجا خاتمه یافته است.

تأثیرات اندرزنامه‌ها

جاویدان خرد مسکویه و *خردنامه* تازه کشف شده، هر دو به ادبیات اخلاقی - تعلیمی ایرانی تعلق دارند که اندرزنامه یا پندنامه خوانده می‌شود و به زبان پهلوی نوشته می‌شدند. آنها را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد: (۱) دینی - کلامی (۲) سیاسی - تاریخی (۳) اجتماعی - اخلاقی - تعلیمی. آنها همچنین شامل حکایاتی برای سرگرمی، دانش دنیوی، تدبیر و توصیف فضایل بودند. این کتاب‌ها به منظور آموزش و راهنمایی فرمانروایان، شاهزادگان، دولتمردان، مدیران و نیز برای فراهم آوردن یک زندگی خوب برای مردم عادی تدوین می‌شدند. در این آثار، فرمانروایان سه توصیه رایج دریافت می‌کردند: داشتن یک زندگی خوب و با فضیلت، همیشه عادل بودن و عدالت را دقیق اجرا کردن، تلاش برای فراهم آوردن رفاه برای مردم خود، حمایت از آنان در برابر ستمگران و ظالمان و بخشنده و مهربان بودن با فقیران و نیازمندان. این مطالب قابل توجه نشان می‌دهد که مسلمانان عرب، فرهنگ و ادبیات ایران را پس از فتح آن از بین نبرده‌اند.

هم‌اکنون فهرستی از اندرزنامه‌ها موجود است اما مطالعات کمی توسط محققان جدید انجام گرفته است که تحلیل بر روی محتوای این کتاب‌ها را شامل شود. مطالعات گوستاو ریشتر، شائول شاکد، ذبیح‌الله صفا، لمپتون، و داوود از اهمیت بیشتری برخوردارند، اما مطالعات دیگری بر روی این ادبیات لازم است.

دولت دیوان‌سالار حکومت عباسی از الگوی ساسانیان در اداره کشور پیروی می‌کرد و بخش‌های مختلف آن توسط دبیرانی که تحصیل کرده و آموزش دیده بودند (کتاب، کاتب) اداره می‌شد. بعضی از آنان ندیم و یا مشاور خلیفه یا فرمانروا بودند.

کتاب‌هایی به زبان عربی می‌باید برای راهنمایی و تعلیم آنان تألیف می‌شد. چنین کتاب‌هایی شامل رسالاتی درباره شخصیت می‌شدند و به شکل کتب متقدم ادبیات دنیوی یا ادب بودند که بعدها به شکل کتاب‌های دانش حاوی اطلاعات مربوط به همه شاخه‌های لازم علوم برای یادگیری یک فرد تحصیل کرده و متمدن درآمدند. این کتاب‌ها چیزی شبیه به *دائرةالمعارف*‌های امروزی بودند. ابن مقفع، احتمالاً نخستین کسی بود که چنین کتابی تألیف کرد. همچنین از طریق نوشته‌های وی بود که فرهنگ فارسی وارد ادبیات عرب شد. وی کتاب مشهور *پنجه‌تنتره* را از پهلوی به عربی ترجمه کرد و نام *کلیله و دمنه* را بر آن گذارد. این کتاب توسط وزیر برزویه بدون کم‌وکاست از هند آورده شده و به زبان پهلوی برگردانده شده بود. این کتاب هندی به گونه ادبیات اندرزی تعلق دارد و در آن دو شغال صحبت می‌کنند و به فرمانروایان و دولتمردان پند می‌دهند.

اولین کتاب در دانش عمومی کتاب‌المعارف است که ابن قتیبه (۲۸۹/۲۷۶ ه.ق) آن را نوشته است و کتاب ادب‌الکاتب به نویسندگی الجولی ندیم مشهور و شطرنج‌باز. یک دائرةالمعارف واقعی که شامل موضوعات مختلفی می‌شد مفاتیح‌العلوم خوارزمی بود.

در گذر زمان، کتاب‌های بسیاری در حیطه دانش عمومی به نگارش درآمدند که رواج و عمومیت گسترده‌ای یافتند. پس از مدتی آثاری تأثیرگرفته از اندرزنامه‌ها به عربی و فارسی نوشته شدند که تعدادشان بسیار زیاد است و حتی عنوان مهم‌ترین آنها را هم در اینجا نمی‌توان آورد.

پاره‌ای از مبانی آموزه‌های اندرزنامه‌ها منافاتی با تعالیم قرآن و احادیث نداشت، در نتیجه نویسندگان عرب‌زبان رسالات سیاسی برای استفاده کردن از آن مطالب در نوشته‌ها با دشواری روبه‌رو نمی‌شدند. قرآن اهمیت بسیاری برای عدالت و یا به تعبیر امروزی، عدالت اجتماعی، قائل است و انسان‌ها را به عواقب بد ظلم و ستم به نیازمندان و بی‌پناهان هشدار می‌دهد. همچنین قرآن، پادشاهان و فرمانروایان را به محبت و انجام اعمال خیر در حق فقرا و نیازمندیانی همچون یتیمان، مسافران و سایر نیازمندان و نیز انجام عمل صالح برای اجر و پاداش اخروی و رستگاری سفارش می‌کند. پادشاه نیز می‌باید برای بهزیستی و رفاه ملت خود کار کند؛ اما تأثیرات ادبیات اندرزی بر رشد و ارتقای کتاب‌های فارسی و عربی که به صفات مطلوب پادشاهان مرتبط است، موضوعی نیست که در این مقاله بتوان بدان پرداخت.

با این حال، کتاب جاویدان/خرد مسکویه کاربست تأثیرات وسیعی از این‌گونه ادبیات بر نوشته‌های فارسی و عربی را نشان می‌دهد. این تأثیرات را می‌توان در سطح گسترده‌ای مورد تحقیق قرار داد، کاری که تاکنون انجام نشده است. صحیح است که این‌گونه ادبیات هم بر کتاب‌های فارسی و هم عربی تأثیرگذار بوده است. مسکویه در کتاب تاریخ خود، تجارب‌الامم، مقدمه‌ای کوتاه آورده که نشان‌دهنده نظرات و دیدگاه وی درباره تاریخ است و این مقدمه به‌وضوح تأثیرات ادبیات فارسی بالاخص ادبیات اندرزی را نشان می‌دهد. البته این مطلب چندان جای شگفتی ندارد، چراکه مسکویه خود از نژاد ایرانیان است. مطالعه‌ای بر روی دیدگاه مسکویه درباره تاریخ براساس مقدمه کتاب تاریخش در دست انجام است.

همچنین کتاب جاویدان/خرد از محبوبیت بالایی در هند برخوردار است و این نکته را می‌توان از میزان رواج آن در بین عموم مردم دریافت. دو ترجمه فارسی از این کتاب در هند انجام شده است: یکی با عنوان جاویدان خرد در زمان حکمرانی جهانگیر (۳۷-۱۰۱۴ ه.ق / ۱۶۰۵-۳۷ م) توسط تقی‌الدین محمد بن شیخ محمد ارسنجانی شوشتری و دیگری در زمان اورنگ زیب (۱۱۱۸-۱۰۶۷ ه.ق / ۱۶۵۸-۱۷۰۷ م) توسط حکیم شمس‌الدین محمد حسین انجام شده است.

نسبت اشتباهی که به این کتاب داده شده، پیش از مسکویه اتفاق افتاده است و اشتباهی متوجه وی نیست. وی نگارنده نخستین کتاب جامع اخلاق به نام تهذیب‌الاخلاق بوده و در جاویدان/خرد خود از این کتاب نام برده است. از آنجا که وی علاقه‌مند به موضوعات مربوط به اخلاق بوده است، صادقانه باورمند به اصالت جاویدان خرد بود و کوشش می‌کرد آن را برای آیندگان حفظ کند.

منابع

- A.Christensen, Les Types de premier home et du premier rois dans 1 'histoire legendaire des Iraniens (Stockholm: 1917)
- A.H. Dawood, A Comparative Study of Arabic and Persian Mirrors from the Second to the Sixth Century A.H., Ph.D. dissertation, University of London, 1965.
- A.R. Badawi, Introduction to the Jdvidn Khirad, 22-29
- A.R. BadawT, Introduction to the Jdvidn Khirad, 22-29.
- Abu 'Abd Allah Muhammad ibn Ahmad ibn Yusuf al-Katib al Khwarazrm, Mafatih aWUlum, ed., G. Van Volten reprint (Cairo: 1349/1930).
- Abu 'Ali Ahmad ibn Muhammad Miskawayh, Tahdhib al-Akhldq, Constantine Zurayq, ed. (Beirut: American University, 1966), 243.
- Bertold Spiiler, Iran in friih-islamischer Zeit (1952).
- E.J. Browne, A Literary History of Persia (Cambridge: 1956), 3:6
- General Lecomte, Ibn Qutaybah Vhomme: son qeuvre, ses ideas (Damascus: Institut Frangaise, 1965), p. 527.
- Gostav Richter, Studien zur Geschichte der Alteren Arabischen Fiirsteppiegel, 3-22, 31-49 and passim; Fraucesco Gabriell, "Ibn al-Muqaffa" in EI2 (1971), 3: 883-85.
- Mansur Tharwat, ed., Khiradndmah az Qarn Sheshum Hijri QamarT, 2nd ed. (Tahran: Amir Kablr, 1372/1994), 95-99.
- Mary Boyce, "IranisticLiterature", in HOI (Leiden and Cologn, 1968), 4: 51-55.
- Mawlawi Muhammad Najafi All Khan, Safrang Dasdtir (Delhi, Sirajl Press, 1280 ah), 138-39.
- Muhammad Ibn Yahya al-SulT, Adab al-Kdtib, Muhammad Bahjat al Athari, ed. (Cairo: Salafiyyah, 1341/1922).
- Roxanne Marcotte, "An Early Anonymous Persian Text; The Jdvidn Khirad", Islamic Studies, 36:1 (1997), 77-78.
- Shaul Shaked. "Andarz and Andarz Literature in pre-Islamic Iran", and Zablh Allah Safa', "Andarz Literature in New Persian", in Encyclopaedia Iranica (London and New York, 1987), 2: 11-22 (with useful bibliography).
- Ta'rif Khalidi, Islamic Historiography: The Histories of Mas'udi (New York: Albany, 1975), 22.
- Zabih Allah Safa's paper on "Andarz Literature in New Persian", in Encyclopaedia Iranica, 2: 21-22.